

ویژه‌نامه اقتصادی

هزینه تولید پایین بیاید

در ویژه‌نامه اقتصادی شماره ۱۸ کمیته ایرانی ICC، یادداشتی از «محمد مهدی بهکیش»، اقتصاددان ایرانی، با عنوان «هزینه تولید پایین بیاید» را می‌خوانیم. یادداشت مذکور، در شماره ۷۵ از هفته‌نامه «تجارت فردا» در تاریخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۲، به چاپ رسیده است. همچنین در این شماره از ویژه‌نامه، میزگردی را با عنوان «هنوز با آزادی فاصله داریم» را بین بهکیش و «موسی غنی نژاد»، مطالعه می‌کنیم. میزگرد مذکور، در پرونده «درهای باز» که در شماره ۷۵، هفته‌نامه تجارت فردا، منتشر شده است و سیاست درهای باز و آزادسازی تجارت را مورد بررسی قرار می‌دهد. متن کامل مطالب فوق‌الذکر از نظرتان می‌گذرد.



در این شماره می‌خوانید:

- فرصت حمایت از نهمین کنگره جهانی اتاق‌های بازرگانی ICC WCF را از دست ندهید
- راه‌اندازی وبسایت تایید گواهی مبدأ از سوی ICC WCF
- سومین نشست داوران جوان ICC در تهران
- دور جدید رقابت میانجیگری تجاری ICC آغاز شد
- کناره‌گیری رئیس کمیسیون تسهیلات تجاری و گمرک ICC
- اخبار کمیته ایرانی ICC
- آخرین فرصت ثبت‌نام در سمینار «اعتبار اسنادی قابل انتقال، اعتبار اسنادی اتکایی»
- معرفی کتاب: «راهنمای حمل و نقل ایمن کانتینرها در دریا» ویژه‌نامه اقتصادی - شماره ۱۸

وبسایت کمیته ایرانی ICC: WWW.ICC-IRAN.COM

TORINO 2015

ICC WCF
**9TH WORLD
CHAMBERS
CONGRESS**
COMMUNITY. IDENTITY. VISION
TORINO, ITALY 10-12 JUNE 2015

فرصت حمایت از نهمین کنگره جهانی اتاق‌های بازرگانی

ICC WCF را از دست ندهید

فدراسیون جهانی اتاق‌های بازرگانی (WCF)^۱ هر دو سال یک بار، کنگره جهانی اتاق‌های بازرگانی (WCC) را سازماندهی و برگزار می‌کند. کنگره با تخصیص بخش حمایتی، فرصتی بی‌نظیر را برای خلق و تقویت مشارکت بین اتاق‌های بازرگانی و شرکتهای عضو آنها فراهم آورده است.

کنگره جهانی اتاق‌های بازرگانی، تنها مجمع بین‌المللی برای رهبران اتاق‌های بازرگانی است تا به تبادل تجارب و بینش‌های خود پرداخته، روابط خود را توسعه داده و همچنین از آخرین مسائل کسب و کار که تاثیرگذار بر جوامع آنهاست آگاه شوند.

رقابت جهانی اتاق‌های بازرگانی نیز در طی کنگره برگزار می‌گردد. بخش رقابت، تنها برنامه‌ای است که به واسطه معرفی خلاقانه‌ترین پروژه‌ها، جایزه به آن تعلق می‌گیرد. پروژه‌های مذکور متعلق به اتاق‌های بازرگانی سراسر جهان هستند.

نهمین کنگره در تاریخ ۱۰ لغایت ۱۲ ژوئن ۲۰۱۵ (برابر با ۲۰ الی ۲۲ خرداد ۱۳۹۴) در شهر تورینو - ایتالیا - برپا می‌گردد. این رویداد، جامعه جهانی از بالغ بر

۱۲ هزار اتاق بازرگانی، صدها بنگاه کوچک و متوسط (SME)^۲ و شرکت چند ملیتی و بسیاری از رهبران ذی نفوذ جهانی را گرد هم خواهد آورد.

فرصت‌های حمایتی

کنگره جهانی اتاق‌های بازرگانی، فرصتی بی‌همتا را برای خلق و تقویت مشارکت بین اتاق‌های بازرگانی و شرکت‌های عضو آنها مهیا ساخته است. حامیان مالی نهمین کنگره می‌توانند در میان اتاق‌های بازرگانی، که در پی جذب علایق کسب و کارهای عضو خود هستند، یا شرکت‌های خصوصی، که بنگاه‌های کوچک و متوسط را هدف قرار داده‌اند، و یا حتی سازمان‌های خصوصی، که خواستار حمایت از رشد اقتصادی در مناطق در حال توسعه هستند، باشند.

همچنین متقاضیان می‌توانند از بخش رقابت حمایت نمایند. سازمان‌ها با حمایت از بخش رقابت، به تضمین تداوم پروژه‌های موجود کمک خواهند کرد تا به طور موفقیت‌آمیزی توسعه یابند!

هر یک از حامیان با توجه به اهداف، بستری را برای دستیابی به حضور حداکثری فراهم می‌سازد. گزینه‌های حمایتی در سطح‌های مالی مختلف موجود بوده و می‌توانید بر طبق اهداف برندسازی و بازاریابی خود آنها را انتخاب کنید.

۱ WCF: World Chambers Federation

۲ SME: Small and Medium Enterprise

راه‌اندازی وبسایت تایید گواهی مبدأ از سوی ICC WCF



فدراسیون جهانی اتاق‌های بازرگانی (WCF) - زیرمجموعه ICC - به منظور تقویت اعتبار روند تایید گواهی‌های مبدأ اقدام به راه‌اندازی وبسایت تایید گواهی مبدأ (CO) نموده است. این ابتکار، در پاسخ به درخواست اعضای مجموعه بین‌المللی اعتبارسنجی گواهی مبدأ فدراسیون جهانی اتاق‌های بازرگانی^۱ و با هدف کمک به نهادهای گمرکی برای تایید صحت گواهی مبدأ صادره از سوی اتاق‌ها، فراهم شده است.

هر سال، میلیون‌ها گواهی مبدأ توسط اتاق‌های بازرگانی صادر می‌شود و تجارت جهانی را تسهیل می‌کند. با پشتیبانی قوی اعضا، «راهنمای بین‌المللی گواهی‌های مبدأ فدراسیون جهانی اتاق‌های بازرگانی (ICC WCF)»^۲ بهترین شیوه‌های بین‌المللی رویه‌های صدور گواهی‌های مبدأ را برقرار نموده و از سوی اتاق‌های سراسر جهان اجرا می‌شود. در سپتامبر ۲۰۱۲، فدراسیون جهانی اتاق‌های بازرگانی ICC بر اساس این راهنما، اقدام به تشکیل مجموعه‌ای با عنوان زنجیره بین‌المللی اعتبارسنجی گواهی مبدأ نمود که اتاق‌ها می‌توانند در صورت تمایل به این مجموعه بپیوندند. با پیوستن به زنجیره اعتبارسنجی، اتاق‌ها به رعایت استانداردهای قابل اجرا و پذیرفته شده WCF برای صدور گواهی‌های مبدأ در سطح بین‌المللی موافقت می‌کنند.

در ژانویه ۲۰۱۳، یادداشتی رسمی مبنی بر تصمیم ICC WCF برای راه‌اندازی وبسایت تایید گواهی مبدأ (CO) به همه سازمان‌ها و نهادهای گمرکی جهان ارسال و تصریح شد که این اقدام - به عنوان بخشی از دستورکار زنجیره اعتبارسنجی گواهی مبدأ - اعتماد متقابل میان نهادهای گمرکی و اتاق‌ها را تقویت خواهد کرد و به متصدیان گمرکی اطمینان می‌دهد که گواهی‌های مبدأ مطابق با بالاترین استانداردهای قابل قبول، صادر شده‌اند.

وبسایت تایید گواهی مبدأ (CO)، به نهادهای گمرکی و اتاق‌ها این امکان را می‌دهد که تنها با وارد کردن کد اختصاصی گواهی مبدأ و شماره مجوز مربوطه، از اعتبار آن گواهی مطلع شوند. این امر، دسترسی فوری به مراجع اصلی گواهی مبدأ، تاریخ صدور و نام شرکت ذینفع را فراهم می‌سازد. به علاوه، در صورت وجود هرگونه ابهام، اطلاعات تماس با اتاق صادرکننده گواهی را در اختیار کاربر قرار می‌دهد. جهت آگاهی از متن یادداشت ارسالی به نهادهای گمرکی و کسب اطلاعات بیشتر درباره وبسایت مذکور به لینک زنجیره بین‌المللی گواهی مبدأ مراجعه نمایید.

برای دریافت یک نسخه راهنمای بین‌المللی گواهی‌های مبدأ فدراسیون جهانی اتاق‌های بازرگانی (ICC WCF) کلیک کنید.

نشانی وبسایت تایید گواهی مبدأ ICC WCF : <http://certificates.iccwbo.org>

۳ ICC WCF International CO Accreditation Chain

۴ ICC WCF International Certificates of Origin Guidelines

سومین نشست داوران جوان ICC در تهران

سومین نشست داوران جوان اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) (YAF) در روز شنبه ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۲ (اول فوریه ۲۰۱۴) با همکاری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)، در محل کانون وکلای دادگستر مرکز در تهران تشکیل گردید. متخصصین جوان، وکلا، دانشجویان و علاقه‌مندان به موضوع داوری بین‌المللی، شرکت‌کنندگان در این نشست بودند.



مروری بر فعالیت داوران جوان در ایران، داوری در نظام حقوقی ایران، مروری بر آخرین تغییرات قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی و تکنیک‌های نگارش شرط داوری، نظارت و حمایت از داوری در دادگاه‌های ایران، آخرین پیشرفت‌ها و موانع در داوری در آلمان و اجرا آراء داوری طبق کنوانسیون نیویورک در ایران در میان موضوعاتی بودند که در این نشست مطرح شد. «لعیا جنیدی»، عضو هیات علمی و دانشیار دانشگاه تهران، «سامی هوربی» (Sami Huerbi)، مدیر منطقه‌ای اتاق بازرگانی بین‌المللی در داوری و روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلاف، «سید مفید کلانتریان»، مستشار دادگاه تجدیدنظر استان تهران، «یوستوس یانسن» (Justus Jansen)، وکیل دفتر حقوقی برودرمن یان، «انسیه سید صدر»، نماینده داوران جوان اتاق بازرگانی بین‌المللی، و «محسن محبی»، عضو دیوان داوری بین‌المللی ICC و دبیر کمیسیون حقوقی کمیته ایرانی، سخنرانان حاضر در این نشست بودند.

پیش از برگزاری این نشست، طی جلسه‌ای که با حضور «محمد مهدی بهکیش»، دبیرکل کمیته ایرانی ICC، و محبی تشکیل گردید، ضرورت همکاری کمیته ایرانی ICC با چنین تشکیلاتی به جهت اجتناب از پیشامدهای ناخواسته و تلقی اشتباه از این که ICC در ایران دارای دفتر دیگری به غیر از کمیته ایرانی می‌باشد، مورد تایید قرار گرفت. همچنین پیرو درخواست هوربی، قبل از برگزاری نشست داوران جوان، جلسه‌ای با حضور بهکیش، محبی، هوربی و یانسن در محل کمیته ایرانی تشکیل شد. طی جلسه مذکور، بهکیش به شدت به نحوه عملکرد بخش داوری ICC در ارتباط با «داوران جوان» در ایران اعتراض کرد. وی بر حضور پررنگ و فعالانه کمیته ایرانی ICC در ایران تاکید کرده و ایجاد یک سازمان دیگر، تحت نام ICC را موجب سوءاستفاده ذکر نمود که این امر به نفع ICC نیست.

هوربی با اظهار موافقت خود با مجموع نظرات مطرح شده توسط دبیرکل کمیته ایرانی افزود، سیاستگذاری این امر در ICC

صورت گرفته و وی تنها مسئول اجرای آن در خاورمیانه می‌باشد. هوربی در ادامه به مخالفت بسیاری از کشورهای خاورمیانه با این موضوع اشاره کرد و گفت؛ ایران تنها کمیته ملی معترض نیست. به علاوه وی محدودیت‌های بازار ایران را پذیرفته و قرار شد، با کمیته ملی ایران رابطه گسترده‌تری برقرار کنند و نماینده YAF به عضویت کمیسیون حقوقی و داوری کمیته ایرانی ICC درآمده و هماهنگی‌های لازم صورت پذیرد. از همین رو، بر طبق مذاکرات دبیرکل کمیته ایرانی ICC با هوربی، قرار شد، YAF در ایران همکاری نزدیک‌تری با کمیته ایرانی ICC داشته باشد.

دور جدید رقابت میانجیگری تجاری ICC آغاز شد

دانشجویان حقوق و کسب و کار سراسر جهان در بزرگ‌ترین رویداد آموزشی سال اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) با یکدیگر رقابت می‌کنند. برای نهمین سال متوالی، اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) میزبان رقابت بین‌المللی میانجیگری تجاری^۵ است. رقابت بین‌المللی میانجیگری تجاری ICC این هفته در پاریس برگزار می‌شود. در این دور رقابت ها، ۶۶ دانشگاه از ۴۲ کشور جهان شرکت می‌کنند. بسیاری از کشورها از جمله بحرین، کنیا، ترینیداد و ... اولین بار است که برای شرکت در رقابت بین‌المللی میانجیگری تجاری نام‌نویسی کرده‌اند. نخستین بار این رقابت ها در سال ۲۰۰۶ با حضور تنها ۱۰ تیم شرکت‌کننده برگزار شد و اکنون با گذشت کمتر از یک دهه از آغاز به کار خود، رشد قابل توجهی داشته است.



طی پنج روز رقابت فشرده، دانشجویان مهارت‌های میانجیگری بین‌المللی خود را در طیف گسترده‌ای از اختلافات واقعی تجاری می‌آزمایند و مقررات جدید میانجیگری ICC^۶ را که جایگزین مقررات ADR^۷ شده است، به کار می‌گیرند. مقررات جدید میانجیگری ICC از اول ژانویه ۲۰۱۴ اجرایی شده است.

هانا تومپل (Hannah Tuempel) مشاور ارشد و مدیر مرکز بین‌المللی ADR در ICC گفت: «رقابت میانجیگری ICC به دانشجویان همه جهان فرصت می‌دهد تا شیوه کار یک میانجیگر را در اختلافات واقعی برون‌مرزی ببینند. ICC با برگزاری این رویداد، درصدد ایجاد نسل جدید کاربران کارآموده میانجیگری است. مرکز بین‌المللی ADR مکان مناسبی برای سازماندهی چنین رویدادی می‌باشد، این مرکز بخشی از بدنه ICC است که مقررات میانجیگری ICC را اداره و طیف وسیعی از خدمات حل و فصل اختلافات را ارائه می‌کند.»

بیش از ۶۰۰ نفر شرکت‌کننده در رقابت‌های امسال حضور دارند. هر تیم متشکل از چهار عضو است. جمعی از حقوقدانان و میانجیگران بین‌المللی به صورت داوطلبانه در این رویداد شرکت می‌کنند. یکی از آنها جف شارپ (Geoff Sharp)، میانجیگر تجاری در نیوزیلند و عضو Brick Court Chambers در لندن است که دور نهایی رقابت سال ۲۰۱۲ را داوری کرد و هم‌اکنون در منطقه خاورمیانه و آسیا پاسیفیک فعالیت می‌کند. او می‌گوید: «این رقابت جالب، مهمترین مجمع گفتگوی جهانی میان کارآموزان میانجیگری تجاری در همه جهان است که هر سال به عنوان قاضی و میانجیگر در این رویداد گردهم می‌آیند.»

یکی دیگر از رویدادهای هفته میانجیگری تجاری ICC، اولین میزگرد بین‌المللی میانجیگری^۸ است که قبل از شروع رقابت‌ها تشکیل می‌شود. این میزگرد، مجمع منحصربه‌فردی را برای کارآموزان میانجیگری و دانشگاهیان شرکت‌کننده در رقابت میانجیگری ICC فراهم می‌کند تا به تبادل بهترین شیوه‌ها و فنون جدید بپردازند.

هفته میانجیگری ICC یکی از چند رویداد ICC است که در سال ۲۰۱۴ در زمینه میانجیگری برپا می‌شود. این رویدادها

شامل مجموعه گسترده‌ای از نشست‌های منطقه‌ای می‌شود که در پی راه‌اندازی مقررات جدید میانجیگری ICC در پاریس در ماه دسامبر ۲۰۱۳، با هدف ترویج مقررات جدید میانجیگری ICC در همه جهان برگزار می‌شوند. اطلاعات بیشتر به زودی در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

درباره هفته میانجیگری تجاری ICC بیشتر بخوانید.

اطلاعات بیشتر درباره مقررات میانجیگری ICC

۱ ICC International Commercial Mediation Competition

۲ ICC Mediation Rules

۳ ICC Amicable Dispute Resolution (ADR) Rules

۴ 1st International Mediation Roundtable

کناره‌گیری رئیس کمیسیون تسهیلات تجاری و گمرک ICC

آنتونی بارون (Anthony Barone)، رئیس کمیسیون تسهیلات تجاری و گمرک، پس از قریب به هشت سال از خدمت ارزنده در ICC، این سازمان را در فوریه ۲۰۱۴ ترک خواهد کرد.

سیاست‌هایی کلیدی طی دوران ریاست وی بر کمیسیون اتخاذ گردید که در این میان می‌توان به راهنمای تجدیدنظر شده (اصلاح شده) گمرکات ICC و راهنمای جدید ICC برای بازرگان فرامرزی اشاره کرد. همچنین بارون فعالیت جاری کمیسیون در «کاربران مجاز اقتصادی (AEO)» و کارایی زنجیره تامین را نیز مدیریت کرد. علاوه بر این، وی نقشی مهم در حفظ روابط حسنه ICC با سازمان جهانی گمرک و در سازماندهی مجدد فعالیت ICC پیرامون موضوع تسهیل تجارت داشت، از جمله اقدامات وی در این زمینه همایش موفق تسهیل تجارت است که از سوی ICC مکزیک سازماندهی شد و در ژوئن ۲۰۱۲ در مکزیکوسیتی برگزار گردید.



ICC مراتب قدردانی عمیق خود را از بارون به واسطه مدیریت فعالیت‌های ICC در زمینه تسهیلات تجاری و گمرک اعلام کرد.

اخبار کمیته ایرانی ICC

اجلاس کمیسیون حمل و نقل و خدمات پشتیبانی برگزار می‌گردد

کمیسیون حمل و نقل و خدمات پشتیبانی کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی نشست را به ریاست «محمود رستم افشار»، دبیر کمیسیون مذکور، در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۱ ساعت ۱۴:۳۰ در سالن جلسات طبقه دوم اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران برپا می‌کند.

سرفصل‌های مطرح در این نشست باز قرار ذیل می‌باشد:

- گزارش و بررسی اخبار روز حمل و نقل
- نتیجه طرح بررسی راهکار برای دوره ۶ ماهه توافق ایران و گروه ۵+۱
- سایر موارد



آخرین فرصت ثبت نام در سمینار «اعتبار اسنادی قابل انتقال، اعتبار اسنادی اتکایی»

اعتبار اسنادی قابل انتقال، اعتبار اسنادی اتکایی

با طرح نمونه

Transferable - Back to Back



کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) در نظر دارد سمیناری را تحت عنوان «اعتبار اسنادی قابل انتقال، اعتبار اسنادی اتکایی» با طرح نمونه برگزار نماید.

مقررات متحدالشکل اعتبار اسنادی UCP600 مقرراتی است که اگر شمول آن در اعتبار درخواست شده باشد، در مورد هر اعتبار لازم الاجرا است. این مقررات برای همه طرف‌های ذی‌ربط الزام‌آور است، مگر این که صریحاً در شرایط اعتبار اصلاح یا مستثنی شده باشد.

اعتبار اسنادی قابل انتقال معمولاً هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که ذی‌نفع اعتبار، تمام یا قسمتی از کالای مورد اعتبار را تهیه نمی‌کند و لذا مایل است بخشی یا تمام مسئولیت‌ها و حقوق خود را به ذی‌نفع دیگری که کالا را تهیه می‌کند، انتقال دهد.

اعتبار قابل انتقال: اعتباری است که «قابل انتقال» بودن آن مشخصاً در اعتبار ذکر شود. اعتبار قابل انتقال ممکن است بنا بر درخواست ذی‌نفع کلاً یا جزئاً در اختیار ذی‌نفع دیگر (ذی‌نفع دوم) قرار گیرد. از مزایای اعتبار قابل انتقال؛ آن است که قسمتی از اعتبار اسنادی به هریک از تولیدکنندگان منتقل می‌شود. همچنین ذی‌نفع دوم با ارائه اسناد مطابق به بانکی که اعتبار نزد او قابل استفاده است وجه را طبق شرایط اعتبار دریافت می‌کند.

اعتبار اتکایی: در پاره‌ای موارد متقاضی نمی‌تواند با افتتاح اعتبار قابل انتقال موافقت کند زیرا: شرایط موافقت نامه‌های منعقد شده بین خریدار و تولید کننده متفاوت بوده و نمی‌تواند نیازهای طرفین را برطرف کند و یا خریدار و فروشنده نهایی مایل نیستند که مخاطرات موجود در اعتبارات قابل انتقال را بپذیرد. در چنین شرایطی، یک اعتبار اتکایی شاید بتواند جایگزین مناسبی باشد.

- سخنرانان: فریده تذهیبی - فریدون شیرازی
- زمان: سه شنبه و چهارشنبه، ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه ۱۳۹۲، ساعت: ۸:۳۰ الی ۱۲:۳۰
- محل برگزاری: خیابان طالقانی شماره ۱۷۵، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
- ارتباط با دبیرخانه: ۸۸۳۰۶۱۲۷ فکس: ۸۸۳۰۸۳۳۰ ایمیل: ICCIran@icc-iran.org

از علاقه‌مندان دعوت می‌شود برای نام‌نویسی در دوره آموزشی فوق، هزینه شرکت در دوره (مبلغ ۲/۱۵۰/۰۰۰ ریال برای اعضای کمیته ایرانی و ۲/۷۰۰/۰۰۰ ریال برای غیراعضا) را حداکثر تا تاریخ شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۲ به شماره حساب ۱۵۵۰۰۵۰۰۹۲ کد شناسه ۹۲۱۵/۰۵ نزد بانک ملت شعبه وزارت نفت (کد ۶۳۲۵/۵) به نام کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی واریز و اسامی شرکت‌کنندگان را به همراه تصویر فیش واریزی به دبیرخانه کمیته ایرانی ارسال نمایند.

برنامه دوره و بروشور مرتبط با آن در سایت کمیته ایرانی ICC (www.icc-iran.org)، بخش آموزش، در دسترس می‌باشد. همچنین علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به بخش ثبت نام آنلاین در سایت فوق نام نویسی نمایند.

کتاب «راهنمای حمل و نقل ایمن کانتینرها در دریا»

ترجمه: «محمود رستم افشار» و «ملک‌رضا ملک‌پور»

ناشر: کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی



با توجه به اهمیت حمل و نقل کانتینری در چند سال اخیر که باعث تسریع و ایمنی حمل و نقل کالاها و مبادلات بازرگانی می‌شود، و با تأکید بر اهمیت حمل و نقل ایمن کانتینرها به‌خصوص در حمل و نقل دریایی، کمیته ایرانی ICC، اقدام به انتشار کتاب «راهنمای حمل و نقل ایمن کانتینرها در دریا» است. کتاب مذکور، توسط «ملک‌رضا ملک‌پور» و «محمود رستم افشار»، به ترتیب کارشناس خبره حمل و نقل بین‌المللی دریایی و دبیر کمیسیون حمل و نقل و خدمات پشتیبانی کمیته ایرانی ICC، ترجمه و در اختیار صنعت حمل و نقل و جامعه بازرگانی بین‌المللی قرار گرفته است تا با رجوع به مفاد آن و استفاده از موارد مطروحه در آن ضمن تسریع مبادلات بازرگانی، ایمنی کانتینرها و در نتیجه سلامت حمل کالاهای خود را تضمین نمایند.

آشنایی بیشتر با کانتینرها، روش‌های حمل آنها و استفاده بهینه از نحوه بارگیری و تخلیه کانتینرها می‌تواند موجبات آسایش خاطر بازرگانان و صنعتگرانی را که محموله آنها در جریان حمل است؛ فراهم نماید.

آگاهی دست‌اندرکاران به دانش و اطلاعات رشته‌های مختلف امور بازرگانی مهم‌ترین امر در حصول موفقیت در تجارت بین‌المللی است. اهمیت مقررات و کنوانسیون‌ها در کاربرد آنهاست و کاربرد این مقررات و قوانین جز با آگاهی و اطلاع از روش‌های متداول بررسی و نحوه استفاده آنها در هنگام عقد قراردادهای بازرگانی بین‌المللی میسر و امکان‌پذیر نخواهد بود.

علاوه بر حوادث فوق، موضوع احتمال اضافه بارگیری کشتی‌های کانتینری به علت اظهارات غلط فرستندگان، اظهارنامه غلط و علامت‌گذاری نادرست فرستندگان در مورد کالاهای خطرناک، قصور عوامل ذی‌ربط در روش‌های بارچینی و مهار کالا در داخل کانتینر، از عوامل مؤثر در تدوین کتاب حاضر محسوب می‌شود.

تنها ابزار بهبود مستمر در مطالب گردآوری‌شده در این مجموعه، استفاده بهینه از تکنولوژی اطلاعات توسط خطوط کشتیرانی و مشتریان آنها برای برنامه‌ریزی و کنترل فرآیند عملیات حمل و نقل کانتینری کالا، خواهد بود. مترجمین این راهنما مطالعه آن را به خطوط کشتیرانی، صاحبان کالا، فورواردرها و اپراتورهای بندری توصیه می‌نمایند.

کتاب «راهنمای حمل و نقل ایمن کانتینرها در دریا» در ۱۲۰۰ نسخه چاپ شده است. جهت کسب اطلاعات بیشتر و سفارش خرید با دبیرخانه کمیته ایرانی ICC (شماره تماس ۸۸۳۰۶۱۲۷) تماس حاصل نمایید.

هزینه تولید پایین بیاید

در ویژه‌نامه اقتصادی شماره ۱۸ کمیته ایرانی ICC، یادداشتی از «محمد مهدی بهکیش»، اقتصاددان ایرانی، با عنوان «هزینه تولید پایین بیاید» را می‌خوانیم. یادداشت مذکور، در شماره ۷۵ از هفته‌نامه «تجارت فردا» در تاریخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۲، به چاپ رسیده است. همچنین در این شماره از ویژه‌نامه، میزگردی را با عنوان «هنوز با آزادی فاصله داریم» را بین بهکیش و «موسی غنی نژاد»، مطالعه می‌کنیم. میزگرد مذکور، در پرونده «درهای باز» که در شماره ۷۵، هفته‌نامه تجارت فردا، منتشر شده است و سیاست درهای باز و آزادسازی تجارت را مورد بررسی قرار می‌دهد. متن کامل مطالب فوق‌الذکر از نظرتان می‌گذرد.



فضای کسب و کار مساعد شود، هراسی از افزایش قیمت نیست

هزینه تولید پایین بیاید

هفته‌نامه تجارت فردا - (۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۲)

محمد مهدی بهکیش

عمده اقتصاددانان کشور با اصل موضوع هدفمند کردن یارانه‌ها و اصلاح قیمت‌ها موافقت و روی آن اجماع دارند. اما آنچه مورد اختلاف است نحوه اجرای این قانون در شرایط کنونی اقتصاد ایران است. تاکنون یک مرحله از این طرح اجرا شده ولی متأسفانه هنوز مطالعه جامعی در رابطه با اجرای این طرح صورت نگرفته و آسیب‌شناسی دقیقی نشده است.

من معتقدم از دید «هزینه-فایده» باید به فاز اول قانون هدفمندی نگاه کرد تا متوجه شویم اجرای هدفمندی در مراحل مختلف چه فوایدی برای جامعه داشته و چه هزینه‌هایی را ایجاد می‌کند. اصلاح قیمت‌ها پایه اصلی هدفمندی است و اگر مورد توافق قرار گیرد می‌تواند مسیر سرمایه‌گذاری، تولید و مصرف را در اقتصاد هموار کند و شرایط را برای دسترسی به اقتصادی پویا تسهیل کند. رقابتی کردن اقتصاد ایران بدون اصلاح قیمت‌ها و متعادل کردن آن بسیار سخت است و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کند. بنابراین دولت در چنین شرایطی مجبور است از فاصله غیرمنطقی قیمت در حوزه‌هایی مثل آب، برق، بنزین و ... بکاهد و به اصلاح قیمت‌ها دست بزند. در گام دوم دولت باید از هزینه‌های خود بکاهد. در حال حاضر دولت پرخرج است و بهتر است به فکر کاهش هزینه‌های خود باشد تا از محل این صرفه‌جویی‌ها بتواند در مناطقی که لازم است وظایف خود را به انجام برساند. نکته بعدی که پس از اصلاح قیمت‌ها و کاهش هزینه‌های دولت باید در اجرای قانون هدفمندی مورد توجه قرار گیرد، توجه به محیط زیست است. برخی از شهرهای کشور جزو آلوده‌ترین شهرهای دنیا به شمار می‌آیند که اگر دولت برای بهبود محیط زیست چاره‌ای نیندیشد در سال‌های پیش رو شهروندان کلانشهرها با مشکلات متعددی مواجه خواهند شد و هزینه‌های جبرانی آن بسیار بالاتر از هزینه پیشگیری می‌شود. نکته مهم در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، اصلاح قیمت‌هاست که علاوه بر فواید فراوانی که برای اقتصاد دارد می‌تواند منشاء برخی نابسامانی‌ها شود. سوال اینجاست که اولاً با توجه به شرایط کنونی اقتصاد ایران چه زمانی برای اجرای فاز دوم هدفمندی مناسب خواهد بود؟ ثانیاً اگر دولت قیمت انرژی و برخی مواد اولیه را در فاز دوم بالا ببرد چه اقدامات جبرانی ترتیب خواهد داد؟ چه سیاست‌هایی در پیش خواهد گرفت که نسبت هزینه تولید با قیمت نهایی که مشتری می‌پردازد، متعادل شود؟ یکی از راه‌هایی که در فاز اول پیشنهاد شد پرداخت نقدی به تولیدکنندگان بود تا بتوانند خسارت‌های خود را از محل اجرای این قانون جبران کنند. عملکرد فاز اول نشان می‌دهد دولت قبل ریالی به تولیدکنندگان از این بابت نپرداخت و آنها را پس از اجرای این قانون تنها گذاشت. اکنون هم که فاز دوم یا همان تبصره هدفمندی در جریان است، دولت پیشنهاد داده ۱۰ هزار میلیارد تومان از این طریق به تولید کمک کند که با توجه به عملکرد دولت گذشته و پیشینه چنین کمک‌هایی، تولیدکنندگان برای دریافت سهم خود از این ۱۰ هزار میلیارد تومان کمی تردید دارند. اما آیا دولت تنها با پرداخت کمک نقدی می‌تواند در حین اجرای فاز دوم هدفمندی به کمک بخش تولید بیاید؟ از نظر بنده پاسخ این سوال منفی است. دولت می‌تواند بدون اینکه هراسی از بابت افزایش قیمت حامل‌های انرژی داشته باشد، به جای چاره‌اندیشی برای کمک نقدی به تولید، تلاش کند تا هزینه‌های تولید در

کشور را پایین بیاورد. شاید پرسیده شود هزینه‌های تولید در ایران چرا بالاست؟ در پاسخ به این سوال می‌توان گفت نبود شرایط برای رقابت، انحصار بالا، دسترسی سخت به منابع مالی و بوروکراسی فراوان بر سر راه فعالیت‌های تولیدی، نظیر فرآیند دشوار اخذ مجوزها سبب شده هزینه‌های تولید در ایران نسبت به سایر نقاط دنیا بیشتر باشد. بخش تولید هراس زیادی از هدفمندی ندارد اما معتقد است اگر کماکان فضای کسب‌وکار در ایران نامناسب باشد و در چنین فضایی که هزینه‌هایش را بالا برده، دولت هزینه دیگری چون اصلاح قیمت انرژی را بر او تحمیل کند، ادامه فعالیت‌های خود را بسیار سخت و پیچیده می‌بیند. پس طبیعتاً اگر فضای کسب‌وکار بهتر شود و برای تولیدکنندگان بستر رقابت به وجود بیاید و انحصارها برداشته شود، خود به خود هزینه‌های تولید کاهش خواهد یافت و دولت در چنین فضایی می‌تواند فاز دوم هدفمندی را بدون هراس از تبعاتی که برای تولیدکنندگان به وجود می‌آید اجرا کند. تصمیم‌های درستی که دولت در خصوص تثبیت اقتصاد کلان می‌گیرد نیز سبب خواهد شد خودبه‌خود یکسری هزینه‌ها کاهش بیاید. اگر تورم پایین بیاید، هزینه بهره به تبع آن پایین خواهد آمد و با کاهش بهره، هزینه‌های سرمایه‌ای تولید نیز روندی نزولی را طی خواهد کرد. یک راه مطلوب‌تر هم وجود دارد. بدین ترتیب که دولت هم هزینه تولید را کاهش دهد و هم اینکه انرژی را با قیمت مناسب‌تری به دست تولیدکنندگان برساند. در این صورت کالاهای تومی نخواهیم داشت و تولید در فضای مناسب‌تری به فعالیت خود ادامه خواهد داد. اما برای خانوارها باید چه کنیم؟ مهم‌ترین حامل انرژی برای خانوارها بنزین است. اگر می‌خواهیم به سمتی برویم که واقعی کردن قیمت بنزین فشار تومی زیادی بر دوش خانواده‌های با درآمد متوسط به پایین وارد نیاید اصلاحات وسیعی در عرصه اصلاح خودروهای عمومی انجام دهیم. یکی از این اقدامات حرکت به سمت استفاده از خودروهای هیبریدی است که در چند سال اخیر استفاده از آن بسیار افزایش پیدا کرده است به طوری که در مونترال کانادا 80 درصد اتومبیل‌ها هیبریدی هستند. من فکر می‌کنم اگر بخواهیم مرحله دوم افزایش قیمت‌های انرژی را عملی کنیم حتماً باید در این زمینه اقدامی عملی صورت گیرد. پیشنهاد دقیق من این است که تا کسی‌ها را تا جایی که می‌شود هیبریدی کنیم. در گام اول این خودروها را وارد کشور کنیم و کم‌کم به تولید آن بپردازیم. ممکن است برخی کارشناسان به این پیشنهاد خرده بگیرند و بگویند هزینه واردات این خودروها بسیار بالاست و تولید آن با توجه به تکنولوژی پیچیده‌اش زمان‌بر است. در پاسخ می‌توان گفت اگر چنین اقدامی را انجام دهیم با توجه به صرفه‌جویی‌ای که در مصرف سوخت صورت می‌گیرد، هزینه واردات و به‌کارگیری خودروهای هیبریدی کمتر از ادامه روش فعلی و استفاده از خودروهای بنزین‌سوز است. اگر می‌خواهیم هزینه حمل و نقل و بنزین را پایین بیاوریم و بهبود کیفیت هوا را در پیش بگیریم، باید خیلی جدی برای به‌کارگیری خودروهای هیبریدی تلاش کرده و آن را در برنامه کلانشهرها وارد کنیم. برق مساله بعدی خانوارهاست و افزایش برق به آنها فشار خواهد آورد. یکی از راه‌های برقراری عدالت در پرداخت هزینه برق از سوی شهروندان، نصب کنتورهای چندزمانه است. این کنتورها باید خیلی سریع وارد کشور شود و نصب شود تا شهروندان بتوانند مصرف خود را در ساعات اوج مدیریت کنند. آب هم یکی از مسائل مهم است که باید چاره‌ای برای آن اندیشید. کمتر جایی در دنیا وجود دارد که با آب لوله‌کشی ماشین بشویند، باغچه آب دهند و حتی استحمام کنند. آب تصفیه‌شده، آب بسیار گرانی است که ایرانیان برای همه نیازهای روزمره خود از آن استفاده می‌کنند. این روش باید تغییر یابد و آب آشامیدنی از آب غیرآشامیدنی جدا شود تا هزینه دولت از محل تصفیه آب پایین بیاید و بتواند با کاهش هزینه تصفیه آب مشکلات دیگر خود را حل کند. نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره کنم در نظر گرفتن استثنائات برای برخی صنایع است. یکی از این صنایع، پتروشیمی است که ۲۰ تا ۳۰ درصد ارزش‌آوری مملکت را به خود اختصاص داده است. پس اگر دولت بخواهد یکباره سوخت‌شان را بالا ببرد، نمی‌توانند با رقبای عربی خود به رقابت بپردازند. تنها مزیت ما در صنعت پتروشیمی سوخت ارزان است و اگر بخواهیم این مزیت را هم از آنان بگیریم در تولید محصولی رقابتی برای صادرات توفیقی به دست نخواهیم آورد.

بررسی سیاست درهای باز و آزادسازی تجارت در میزگردی با حضور محمدمهدی بهکیش و موسی غنی‌نژاد

هنوز با آزادی فاصله داریم

هفته‌نامه تجارت فردا- (۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۲)

رضا طهماسبی

سخنان رئیس‌جمهور در مجمع جهانی اقتصاد مبنی بر باز کردن درهای اقتصاد کشور به روی سرمایه‌گذاران خارجی در عمل با چه موانعی روبه‌رو خواهد بود؟ آیا ایران می‌تواند همانند چین در سال ۱۹۷۸ با سیاست درهای باز و اصلاحات اقتصادی سریع به رشد اقتصادی بالا و مداوم برسد؟ الزامات اجرای این سیاست چیست؟ آیا حسن روحانی به عنوان پیشنهاددهنده این سیاست پیش از این به اجرای آن هم اندیشیده بود؟ تمامی این سوالات روی میز دو اقتصاددان حامی تجارت آزاد و اقتصاد بازار قرار می‌گیرد تا شمایی از وضعیت کشور برای جذب سرمایه‌های خارجی ترسیم شود. به گفته این دو اقتصاددان هنوز موانع جدی بر سر راه اجرای این سیاست قرار دارد اما دولت می‌تواند در کوتاه‌مدت اقداماتی را انجام دهد که حرکت به سوی این سیاست را زمینه‌سازی کند. مقررات‌زدایی که باید از خود دولت آغاز شود و توجه به مناطق آزاد پیشنهاد محمدمهدی بهکیش و موسی غنی‌نژاد است. البته تجربه چین به ما می‌گوید بهترین سرمایه‌گذاران خارجی در آغاز کار همان ایرانیانی هستند که سال‌هاست سرمایه خود را در خارج از خاک ایران به کار گرفته‌اند.

دکتر روحانی در مجمع جهانی اقتصاد در داووس تاکید زیادی روی باز کردن درهای اقتصاد کشور به روی سرمایه‌گذاران، بازرگانان و صنعتگران خارجی داشتند و از همه آنها دعوت کردند که در ایران حضور یابند و سرمایه‌گذاری کنند و تجارت داشته باشند. این سخنان به نوعی یادآور سیاست درهای باز (Open Door Policy) است که سابقه‌ای تاریخی به خصوص در کشور چین دارد. دنگ شیائوپنگ اقتصاد سرکوب‌شده دوران مائو را با اجرای سیاست درهای باز و اصلاحات اقتصادی از سال ۱۹۷۸ به جلو برد و یک جهش بزرگ در اقتصاد این کشور ایجاد کرد و هنوز هم چین در حال پیمودن همان راه است. ما برای پیاده کردن این سیاست چه درسی می‌توانیم از تجربه جهانی آن بگیریم؟ اصولاً تا چه اندازه می‌توانیم این سیاست را پیاده کنیم و آیا الزامات و ساختارش را داریم؟

موسی غنی‌نژاد: در ابتدا و قبل از ادامه بحث از سوی دکتر بهکیش، لازم است اشاره کنم سیاست درهای باز یا سیاست تجارت آزاد فقط مربوط به چین هم نبوده و کشورهای دیگر حتی اقتصادهای پیشرفته‌ای مانند انگلستان، آمریکا و بعدتر بلوک شرق هم هر کدام این سیاست را به نوعی دنبال کرده‌اند.

محمد مهدی بهکیش: اجازه دهید به اختصار مروری تاریخی داشته باشیم. آغاز سیاست درهای باز به قبل از جنگ جهانی اول برمی گردد به طوری که وقتی به حجم تجارت نگاه می کنیم به خصوص در اوایل قرن بیستم و سال های ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۲ می بینیم حجم تجارت کاملاً رو به رشد بوده است. این را موج اول جهانی شدن می دانیم. جنگ جهانی اول این روند را کاملاً متوقف کرد. بین دو جنگ جهانی که از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۴۰ دنیا به سمت نوعی سوسیالیسم رفت و اتحاد جماهیر شوروی هم در سال ۱۹۱۹ و عملاً در اواخر جنگ به وجود آمد. آمریکا و به خصوص اروپا هم به طرف نوعی سوسیالیسم رفت. عوامل مختلفی از جمله همین سوسیالیزه شدن، بحران بزرگ سال ۱۹۲۹ را به وجود آورد. تا سال ۱۹۳۲ بزرگ ترین بحران اقتصادی دنیا تجربه شد. در آمریکا نزدیک به ۴۰ تا ۵۰ درصد بیکاری و در اروپا بالای ۵۰ درصد بیکاری به وجود آمد. شرایط اقتصادی بسیار بدی در اواخر دهه ۱۹۳۰ به وجود آمد. بعد از جنگ جهانی دوم در نشست برتون وودز تصمیم گرفته شد که دوباره غرب را به طرف تجارت آزاد برگردانند. در مجموع سه تصمیم اتخاذ شد. اول اینکه بانک تامین توسعه یا همان بانک جهانی را به وجود آوردند، دوم صندوق بین المللی پول را ایجاد کردند و سوم ایجاد گات یا همان سازمان تجارت جهانی بود که هر کدام از اینها وظیفه مشخصی داشتند. وظیفه اصلی بانک تامین منابع برای بازسازی اروپا بود که بعداً به طرف جهان سوم هم رفت و اتفاقاً ایران جزو اولین متقاضیان وام در بین کشورهای در حال توسعه برای اجرای برنامه اول توسعه اش بود. صندوق بین المللی پول به نوعی نقش بانک مرکزی دنیا را داشت. یعنی رابطه بین ارزها را سازماندهی می کرد. وظیفه گات هم آزادسازی تجارت بود. این روند البته چالش های زیادی هم داشت. در سال ۱۹۷۳ پایه طلا از بین رفت، آمریکایی ها تعهدشان مبنی بر تعویض دلار با طلا را برداشتند و اتصال به طلا که تجارت را بسیار محدود کرده بود، برداشته شد. در اواخر دهه ۱۹۷۰ آزادسازی تجارت سریع تر شد. در این دوره رشد تجارت بیش از دو برابر رشد اقتصادی دنیا بود. در دهه ۱۹۹۰ سرعت رشد تجارت اوج گرفت و گات هم تبدیل به سازمان تجارت جهانی شد. این سه سازمان زیر نظر سازمان ملل متحد عملاً نقش اثرگذاری در آزادسازی تجاری پیدا کردند. این آزادسازی کشورهای دیگر را هم با خودش کشید. یکی از این کشورها چین بود. چین از سال ۱۹۴۹ زیر نفوذ حزب کمونیسم قرار گرفت. در سال ۱۹۷۹ که اتفاقاً با انقلاب اسلامی ما همزمان بود سیاست های چین هم کلاً تغییر کرد. اقتصاد چین طی این مدت از بین رفته بود و حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون نفر در چین تلف شده بودند. برنامه جهش بزرگ به جلو و انقلاب فرهنگی که توسط مائو انجام شد اقتصاد را به کل از بین برده بود. در سال ۱۹۷۹ اقتصاد چین توسط دنگ شیائوپنگ آزاد شد. در این زمان و در اوایل دهه ۸۰ روال آزادسازی تجاری سرعت گرفته، موانع تقریباً کم و سطح تعرفه ها به زیر ۱۰ درصد رسیده بود. چینی ها در اولین قدم به کشاورزی توجه کردند. وضعیت کشاورزی در چین بسیار بد شده بود به طوری که می گویند وضع کشاورزان چین در سال ۱۹۷۰ نسبت به ۴۰ سال قبل هیچ تغییری نکرده بود و اصلاً بهتر از کشاورزان سال ۱۹۳۰ نشده بود. چینی ها کمون ها را شکستند و به هر خانوار یک تکه زمین دادند و به مردم گفتند شما می توانید برای خودتان کشت کنید. فقط درصدی را به دولت بدهید.

موسی غنی نژاد: مهم تر اینکه گفتند بقیه را به هر قیمتی که می خواهید بفروشید.

محمد مهدی بهکیش: چین آزادسازی را در دو مرحله انجام داد. مرحله اول همین مساله کشاورزی بود که بسیار هم با اهمیت بود و مرحله دوم روی صنایع و تجارت بود که قیمت گذاری را برداشتند. به نظرم یکی از کارهای بسیار جالبی که چینی ها در مورد آزادسازی تجارت کردند این است که اولاً سرمایه گذاری مستقیم خارجی را به مناطق خاصی هدایت کردند که در آن قوانین و مقررات بسیار ساده بود. دولت ورود و خروج کالا و خدمات را در این مناطق تسهیل کرد و در نتیجه تجارت بسیار سریع رشد کرد. حرکت چین به سمت آزادسازی و سیاست درهای باز داستان های بسیار جالبی دارد. چینی ها با اختصاص دادن یکسری مناطق خاص برای صنعت و تجارت و برداشتن مقررات در این مناطق و البته کشاورزی اجازه ندادند تعادل در جامعه خیلی به هم بخورد. اما آنچه خیلی مهم است و آقای دکتر غنی نژاد می توانند بسیار کمک کنند این است که تغییر و

تحولی که در چین اتفاق افتاد تحت نفوذ یک سیستم کمونیستی متمرکز بود که از دوره مائو باقی مانده بود. یعنی حزب کمونیست با قدرت و تسلط و تک‌صدایی که داشت توانست مقررات را تسهیل کند، تجارت را آزاد کند و سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کند. عملاً آن قدرت متمرکز بود که توانست در چنان جمعیت زیادی با سطح عمیق فقر ساختار را نگه دارد. البته اکنون که در چین مزه رفاه از کشاورز گرفته تا صنعتگر زیر دندان همه رفته و به مزایای آن پی برده‌اند وضع فرق می‌کند. از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۳ متوسط سالانه رشد چین ۹/۸ درصد بوده است یعنی ۳۵ سال رشد اقتصادی بالا. یعنی در یک دورانی که همسن انقلاب ماست. بعد از شیائوپنگ هم جیانگ زمین روی کار آمد که کاملاً پیرو و تابع سیاست‌های قبل بود. یعنی سیستم اجازه نداد کوچک‌ترین تغییری به وجود بیاید. در غرب هم که دموکراسی گسترش یافته بود و مردم با فضای آزاد آشنا و خواهان آن بودند. به نظر من دموکراسی و تجارت آزاد در غرب دو روی یک سکه است. یعنی نمی‌تواند یکی باشد و دیگری نباشد. این دو با هم در حال حرکت هستند. در غرب دموکراسی در دهه ۸۰ به بعد بسیار رشد کرده و شروع آن هم از اروپای شمالی بوده است که دنیا را هم به دنبال خود کشانده است. در غرب آزادی مدنی و آزادی تجارت بسیار خوب با یکدیگر پیش رفته است. این دو یکدیگر را پشتیبانی می‌کنند و روند با مشکلی مواجه نشده است. خلاف آن در چین بود که قدرت فائده توانست این ساختار را حفظ کند و اجازه دهد تحول صورت بگیرد. سرعت تحول در چین بسیار بالاست. در اروپا قانونمندی ۴۰۰، ۵۰۰ سال عمر دارد. در چین قانونمندی غیر از دستور و امر سابقه‌ای دیگر جز سال‌های دور ندارد. فرهنگ چین بسیار متفاوت است اما آنها توانستند با آزادی تجاری وارد دنیای غرب شوند و بتوانند کدهای آنان را یاد بگیرند و رعایت کنند. حالا ما شبیه چین نیستیم. با غرب هم تفاوت‌های زیادی داریم. یعنی شبیه به هیچ کدام از این دو الگو که سیاست درهای باز را پیاده و اجرا کردند، نیستیم. یک صدایی قدرت که در چین وجود داشت در ایران شاید نمی‌تواند به وجود بیاید.

محمد مهدی بهکیش* ما چه دوست داشته باشیم چه نداشته باشیم با کشورهای چو عربستان سعودی، امارات، کویت، قطر، عراق و روسیه رقیب هستیم و باید بپذیریم که آنها امتیازات بسیار جذاب‌تری به سرمایه‌گذار می‌دهند. ما باید حواسمان جمع باشد تا بتوانیم موقعیت رقابتی‌مان را به دست بیاوریم و حفظ کنیم*. ما که هوای به شدت آلوده داریم و ضمناً می‌خواهیم تجارت را باز کنیم و در عین حال نمی‌خواهیم اجازه دهیم صنعت خودرو کشور هم لطمه جدی ببیند می‌توانیم برای مثال یکی از مناطق آزاد را به خودروهای هیبریدی اختصاص دهیم.

موسی غنی‌نژاد: هیچ وقت هم در ایران چنان یک‌صدایی نبوده است.

احتمالاً مطلوب هم نباشد که اصلاً چنین تمرکز قدرتی وجود داشته باشد.

محمد مهدی بهکیش: بله، شاید مطلوب هم نباشد. مبنای الگوی غرب را که حمایت دوجانبه دموکراسی و آزادسازی بود آقای دکتر غنی‌نژاد به درستی در کتاب‌شان گفته‌اند که فردگرایی است. آن مینا را هم ما نداریم. اکنون بحث اینجاست که اصلاً با فرهنگ ما آن مینا را می‌توان ایجاد کرد؟ احترام به آزادی انسان و حقوق فردی است که دموکراسی می‌آورد و همین حقوق فردی پایه آزادی تجارت است. نتیجه اینکه باید بحث و بررسی کنیم و ببینیم چگونه می‌توانیم این دو الگو را جمع کنیم. حالا که آقای روحانی همه را به حضور در ایران و سرمایه‌گذاری دعوت کرده که البته بسیار اقدام شایسته‌ای است باید روی راهکار آن هم فکر شود. یکی از شرط‌های ما در مذاکرات ژنو این بوده که باید کمک کنند تا به سازمان تجارت جهانی بپیوندیم. حالا اگر توافق شود آیا ما ملزومات وارد شدن به سازمان را داریم؟

ما می‌خواهیم به استقبال این مسائل برویم. شاید در زمان طرح این مساله تنها منافعش مدنظر بوده و به

ملزوماتش اندیشیده نشده است. در نتیجه این روند باید توسط صاحب‌نظران بررسی شود که اگر دولت در نظر دارد سیاست درهای باز را اجرا کند و به این نتیجه رسیده که راه‌حل آزادسازی است چه باید بکند. از کدام الگو استفاده کند یا حداقل اینکه از هر الگوی پیاده‌شده چه تجربه و درسی می‌تواند بگیرد.

موسی غنی‌نژاد: ببینید همان طور که دکتر بهکیش اشاره کردند ما تفاوت عمده‌ای با چین داریم. در چین حزب کمونیست از ابتدا، یعنی از سال ۱۹۴۹ تاکنون حاکمیت سیاسی متمرکز و تک‌صدایی، به ویژه در شهرها داشته است. در نظام حکومتی چین، هر تصمیمی، چه سیاسی و چه اقتصادی، قطعی و بلامعراض است. کسی نمی‌تواند در عمل یا حتی در نظر مخالفت کند. یعنی تصمیمی در حزب گرفته شده و در بیرون باید اجرا شود. صدای مخالف هم نمی‌تواند دربیاید. چین با این تصمیمات توانست در مدت نسبتاً کوتاه ۳۰ سال کارهای زیادی انجام دهد. کارهایی که تبعات اجتماعی زیادی هم داشته است. الان بیشترین بازار پورشه و مرسدس و دیگر اتومبیل‌های لوکس در چین است؛ چینی که ۳۰ سال قبل مثل یک کشور فقیر و عقب‌مانده و با ایدئولوژی کمونیستی بود. اگر آن تمرکز قدرت سیاسی در چین وجود نداشت شاید انجام این اقدامات، به این صورت، امکان‌پذیر نبود. اما در ایران ما یک دموکراسی نیم‌بند داریم. من این وصف نیم‌بند را به معنای استهزاآمیزش نمی‌گویم. دموکراسی ما چندان شبیه به مدل غربی نیست. ولی به هر صورت یک نوع دموکراسی است به طوری که تک‌صدایی در آن جایی ندارد. از همان ابتدای انقلاب هم تک‌صدایی وجود نداشت. اگر یادتان باشد تشکلی مثل روحانیت مبارز به دو قسمت با افکار مختلف تقسیم شد. یعنی در داخل نظام در ایران، نوعی اپوزیسیون خودی به رسمیت شناخته شد. الان هم همان‌طور است. یعنی در ایران به راحتی چین نمی‌توان تصمیم گرفت و با قطعیت اجرا کرد. به لحاظ ساختار سیاسی، همیشه ما این مشکل را داشته‌ایم. معضلی است که باید آن را، به نحو مطلوبی حل کنیم. در زمان ریاست‌جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی همین اتفاق افتاد. چون ما تک‌حزبی نبودیم و دموکراسی نیم‌بند خودمان را داشتیم؛ آقای هاشمی نمی‌توانست سیاست‌های اقتصادی‌اش را کامل اجرا کند و بالاخره در جایی متوقف شد. قاعده بازی هم همین است. به نظر من، آقای هاشمی آن سیاست‌ها را باید ادامه می‌داد، اما ظاهراً فشار سیاسی به او اجازه این کار را نداد. ساختار نظام سیاسی ما این گونه است. اما اکنون به مرحله‌ای رسیده‌ایم که این تجربه‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم. آقای روحانی در حقیقت تبلور تجربه سی و چندساله جمهوری اسلامی است. شعار خود ایشان هم عقلانیت، تدبیر و امید است. آن عقلانیت، عقل متکی بر تجربه سی و چندساله ایران بعد از انقلاب است. درست است که اکنون هم چند جناح سیاسی و افکار متضاد داریم اما تقریباً همه به این نتیجه رسیده‌اند که شیوه‌های کمونیستی و مارکسیستی و اقتصاد دولتی به درد نمی‌خورد. گرچه هنوز طرفداران ناخودآگاهی هستند که از شیوه اقتصاد دولتی دفاع می‌کنند اما به لحاظ ایدئولوژیکی فکر می‌کنم هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان به این نتیجه رسیده‌اند که با اقتصاد دولتی نمی‌توان به جایی رسید. بنابراین راه‌حل همان اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است و ظاهراً همه روی آن توافق دارند. حالا به سوال اصلی بحث برگردیم. اینکه باز کردن اقتصاد به آن صورتی که آقای روحانی در داووس مطرح کردند در ایران امکان‌پذیر است یا خیر. از دید من یکسری موانع حقوقی و قانونی وجود دارد که اگر توافق سیاسی باشد، برطرف کردن آنها کار سختی نیست. از جمله اینکه شرکت‌های خارجی در ایران حق مالکیت کامل مانند ایرانی‌ها ندارند، یعنی نمی‌توانند مستقلاً مالک زمین و کارخانه باشند. در حال حاضر تا آنجا که من می‌دانم، از کشورهای عرب حوزه خلیج فارس هستند کسانی که در ایران سرمایه‌گذاری کرده و با نوعی دور زدن و مشارکت با ایرانیان سهام برخی معادن و کارخانه‌ها را خریده‌اند. اما اروپایی‌ها اهل دور زدن نیستند. برای آنها چارچوب قانونی باید روشن و شفاف باشد تا به دعوت آقای روحانی پاسخ دهند. مساله دیگر فضای سیاسی دوگانه و پرهیاهو در ایران است. سرمایه‌گذار خارجی نیاز به امنیت و آرامش سیاسی دارد و گرنه در فضایی که تهدید سیاسی بالا باشد و طرفین سیاسی یکی از اتهام‌های همیشگی‌شان عامل بیگانه یا خائن خواندن دیگران باشد فضای سیاسی برای سرمایه‌گذاری مناسب نخواهد بود. این ناامنی فضای سیاسی مانع سرمایه‌گذاری داخلی و آمدن سرمایه‌گذارهای خارجی می‌شود. مساله سوم فضای کسب‌وکار داخلی ماست. تولیدکننده‌ها و تجار ما مشکلات

زیادی دارند. فضای کسب‌وکار در هشت سال گذشته بسیار بدتر از قبل شده است. مداخله دولت، وضع مقررات، قیمت‌گذاری‌ها، کنترل قیمت‌ها و بازارها توسط دولت هنوز هم ادامه دارد. درست است که در سطوح بالا آقای رئیس‌جمهور و وزیران دولت موافق تجارت آزاد هستند، ولی در بدنه دولت می‌بینید که این طور نیست و آنهایی که کار اجرایی می‌کنند هنوز این تفکر را ندارند. بروید با تولیدکنندگان و کارخانه‌داران صحبت کنید. هنوز ددرسه‌های زیادی دارند. مساله تعزیرات و سازمان حمایت هنوز هم وجود دارد. وقتی فعالان اقتصادی داخلی ما برای تجارت مشکل دارند طبیعتاً این مشکلات برای خارجی‌ها هم هست.

مشکلات ساختاری بدون شک زیاد است. اما راهکار چیست؟

موسی غنی‌نژاد: اینجا می‌خواهم به درسی که از تجربه چین در خصوص آزادسازی تجاری می‌توانیم بگیریم اشاره کنم. وقتی که چین وارد مرحله دوم اصلاحات یعنی تجارت آزاد در مناطق آزاد شد، ابتدا سرمایه‌گذارهایی وارد چین شدند که چینی‌تبار بودند، چینی‌هایی که به خاطر انقلاب کمونیستی به هنگ‌کنگ، تایوان و کشورهای اطراف رفته بودند. همان اول کار آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها نیامدند. چون آنها شناختی از چین نداشتند. ولی چینی‌ها و چینی‌تبارهایی که در خارج بودند کاملاً با ساختار و فرهنگ و زبان آشنا بودند. حضور آنها در مناطق آزاد کمک زیادی به گسترش سرمایه‌گذاری خارجی کرد. یعنی وقتی آن سرمایه‌گذارها آمدند، سرمایه‌گذاران غربی هم قوت قلب گرفتند و پی بردند که این مساله جدی است و آنها هم کم‌کم آمدند. در ایران هم وضعیت مشابهی وجود دارد. طبق برخی ارزیابی‌ها که نمی‌دانم چقدر دقیق است، سرمایه‌ایران خارج از کشور نزدیک به ۷۰۰ میلیارد دلار است. نمی‌گویم همه این سرمایه‌ها اما حتی ۱۰ درصد آن هم برای سرمایه‌گذاری وارد ایران شود رقم قابل توجه و چشمگیری است. اگر ما فضای کسب‌وکار را بهبود دهیم و در فضای سیاسی سختگیری‌ها را کم کنیم به نظرم این ایرانیان تمایل زیادی برای آمدن پیدا خواهند کرد. یعنی همان اتفاقی که در چین افتاد، اینجا هم می‌تواند بیفتد. شما یک دفعه نمی‌توانید سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کنید. ممکن است برخی شرکت‌های نفتی به دلیل وجود تضمین دولتی بیایند ولی یک شرکت متعارف خصوصی به این راحتی نمی‌آید. ایرانی‌های مقیم خارج که قبلاً در ایران فعالیت‌های اقتصادی داشته‌اند شناخت بهتری از خارجی‌ان دارند و راحت‌تر می‌توانند در ایران دوباره سرمایه‌گذاری کنند. این نکته‌ای است که شاید دولت آقای روحانی به آن توجه دارد ولی باید بیشتر روی آن تاکید کند تا شاید به نتایج ملموس‌تری برسد. البته تعداد معدودی از آنها اکنون آمده‌اند و کارهایی مثل هتل‌سازی هم انجام داده‌اند اما تبلیغات منفی نسبت به آنها بسیار زیاد بوده به طوری که این نمونه‌ها الگوهای خوبی نشدند که بتوانند بقیه را هم به دنبال خود بکشانند. اما اگر فضا مقداری آزادتر شود، می‌توان گام‌های مثبت و ملموسی در این مسیر برداشت.

موسی غنی‌نژاد* طبق برخی ارزیابی‌ها که نمی‌دانم چقدر دقیق است، سرمایه‌ایران خارج از کشور نزدیک به ۷۰۰ میلیارد دلار است. نمی‌گویم همه این سرمایه‌ها اما حتی 10 درصد آن هم برای سرمایه‌گذاری وارد ایران شود رقم قابل توجه و چشمگیری است* . در کوتاه‌مدت اولین کاری که دولت می‌تواند انجام دهد ایجاد بهبود در فضای کسب‌وکار داخلی است. این کار در کوتاه‌مدت چندان نیازی به تغییر قانون ندارد و حتی در خود قانون هم آمده که دولت باید وزن خود را سبک کند. دولت می‌تواند مقررات انباشته‌شده طی ۳۰ سال گذشته را کم کند، همان مقرراتی که مربوط به دولت و سازمان‌هایش می‌شود. مثلاً مزاحمت دستگاه‌های اجرایی برای تولید را می‌شود کم کرد.

محمد مهدی بهکیش: من این پیشنهاد دکتر غنی‌نژاد را قبول دارم و به نظرم باید از همین جا هم شروع کنیم چون آسان‌ترین و طبیعی‌ترین راه است. در کنار این جذب باید مساله مناطق آزاد را جدی‌تر گرفت. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی

غربی‌ها هم مناطق آزاد زیادی ایجاد کردند. چون ممالک درگیر مقررات شبه‌سوسیالیستی شده بودند و آزاد کردن کل این مقررات سخت بود. در کشورهای اروپایی هم مجالس و پارلمان‌هایی هستند که هنوز هم سابقه سوسیالیستی دارند. به نظر غرب و چین از میانبری که با ایجاد مناطق آزاد ایجاد می‌شود بسیار استفاده کردند. دولت در مناطق آزاد بسیار راحت‌تر می‌تواند مقررات زدایی کند، راحت‌تر می‌تواند ترتیب صدور ویزای ورود و خروج افراد را فراهم کند یا صنایع را آنجا بپذیرد و به آنها اجازه کار دهد. ما هم این مناطق را ایجاد کردیم ولی هیچ‌گاه به مراکز برای شروع فعالیت‌هایی که جذب‌کننده سرمایه خارجی باشد تبدیل نشده‌اند. من فکر می‌کنم اگر مثلاً برای پنج یا ۱۰ سال آینده یکسری مناطق بزرگ‌تری تعریف کنیم مثل آبادان و خرمشهر که هم‌اکنون اعلام شده‌اند می‌توانیم مسیر مناسبی ایجاد کنیم. بعد می‌توانیم شرکای خارجی را اول جذب مناطق آزاد بکنیم بعد گام‌های دیگر را برداریم. چین هم همین کار را کرد. چین علاوه بر اینکه بیشتر چینی‌تبارها را جذب کرد، اکثرشان را به مناطق آزاد هدایت کرد تا از تسهیلات ایجادشده استفاده کنند چون حتی چین هم نمی‌توانست تمام مملکت را به راحتی وارد روند مقررات‌زدایی کند. چون ممکن بود جواب غیرقابل‌منتظره‌ای از جامعه دریافت کند. اگر بار دیگر به دو الگوی چین و غرب برگردیم و مقایسه کنیم باید بگوییم قطعاً هنوز دموکراسی در کشور ما آن عمق را پیدا نکرده که بتواند خودش حافظ منافع فردی باشد گرچه در این مسیر پیش می‌رویم. اما ما مثل چین هم نمی‌توانیم بشویم به خاطر اینکه آن قدرت مطلقه را نداشته‌ایم، نداریم و مایل هم نیستیم داشته باشیم. پس باید به همان راه‌حل‌های ذکرشده برگردیم. ما اگر بخواهیم رشد بالا و در حدود هشت درصد داشته باشیم باید تجارت خارجی‌مان بسیار گسترش پیدا کند. اما گستره تجارت ما در آینده تا کجا خواهد بود؟ الگوی مبادلاتی ما در آینده به کدام طرف خواهد رفت؟ ما پیش از این به کشورهای مختلف دنیا نفت می‌فروختیم اما بیشتر کالاهای استراتژیک و فنی مورد نیازمان را از اروپا می‌خریدیم. ماشین‌آلاتی که طی ۵۰ یا ۶۰ سال گذشته وارد شده از اروپا آمده است، غیر از چند سال اخیر که مجبور شدیم از چین مقداری ماشین‌آلات وارد کنیم. در حالی که اکنون تجارت منطقه‌ای بسیار فراگیر شده است. مثلاً نزدیک ۷۰ درصد صادرات اروپا در داخل خود این قاره جذب می‌شود. در آمریکای شمالی این رقم ۵۰ درصد است اما در خاورمیانه فقط ۹ درصد صادرات جذب می‌شود. یعنی ۲۰ کشور خاورمیانه از یکدیگر کالا نمی‌خرند. یعنی بازار منطقه‌ای نداریم. حالا ما با دو مساله مواجهیم. یکی اینکه جهت‌گیری الگوی تجاری‌مان کدام طرف باشد؟ یعنی کدام کشورها از نظر اقتصادی بیشتر مکمل ما هستند. دوم اینکه مشتریان نفت ما در آینده چه کشورهایی هستند که احتمالاً بیشتر کشورهای شرق آسیا هستند. روال عادی تجارت دنیا می‌گوید بهتر است کالاهایی را که نیاز داریم از همان مشتریان نفتی خود تامین کنیم. نمی‌شود در بلندمدت نفت را به یکسری کشورها بفروشیم اما کالایمان را از کشورهای دیگر بخریم. به نظر من عدم تعادل تجاری برای مدت طولانی برای ما ایجاد مشکل خواهد کرد. از هم‌اکنون باید به این فکر باشیم که این روند را متعادل کنیم. از دید من هند می‌تواند اقتصاد مکمل خوبی برای ما باشد.

موسی غنی‌نژاد: همان‌طور که آقای دکتر می‌گویند باید روی بازار منطقه‌ای بیشتر کار کنیم و تجدید ساختاری در این روابط تجاری انجام دهیم. دنیا هم به همین سمت رفته است. ولی نکته دیگری که تاکید می‌کنم و اکنون هم کمی در آن مسیر رفته‌ایم و به نظر من خوب است در این زمینه سرمایه‌گذاری بیشتری، به ویژه سرمایه‌گذاری خارجی، صورت گیرد، صنعت پتروشیمی است. شاید فروش نفت خام دیگر در آینده خیلی اقتصادی و به نفع ما نباشد و اگر بتوانیم روی صنایع پایین‌دستی نفت سرمایه‌گذاری کنیم بسیار بهتر خواهد بود.

در مورد مشکلات قانونی که پیش روی اجرای سیاست درهای باز و آزادسازی تجارت ما وجود دارد نکته‌ای عنوان شد. مثل اینکه دولت در مورد قراردادهای نفتی این کار را پیش گرفته چون شرکت‌های نفتی بزرگ چندان با قراردادهایی که ما برابر قانون داریم مایل به حضور نیستند. حتی آقای دومارژری رئیس شرکت توتال عنوان کرده قراردادهای جدید ایران جذاب هستند.

موسی غنی‌نژاد: قرار بود همین روزها این قراردادهای جدید رونمایی شود اما این مساله ظاهراً برای مدتی به تعویق افتاد. کمیسیون هم در دولت تشکیل شده که روی این قراردادها کار می‌کنند ولی فکر می‌کنم ملاحظات سیاسی و اجتماعی مدنظر بوده است که این کار را به تعویق انداخته‌اند.

محمد مهدی بهکیش: ما چه دوست داشته باشیم چه نداشته باشیم با کشورهای چو عربستان سعودی، امارات، کویت، قطر، عراق و روسیه رقیب هستیم و باید بپذیریم که آنها امتیازات بسیار جذاب‌تری به سرمایه‌گذار می‌دهند. ما باید حواسمان جمع باشد تا بتوانیم موقعیت رقابتی‌مان را به دست بیاوریم و حفظ کنیم. ضمن اینکه باید برخی موارد دیگر را هم رعایت کنیم. مثلاً در حال حاضر گفته می‌شود عسلویه یکی از آلوده‌کننده‌ترین مناطق در دنیاست. این مساله باعث می‌شود بعدها برای سرمایه‌گذاری در این منطقه دچار مشکل شویم. گفته شده اگر به این مساله رسیدگی نشود بعید نیست که برای فعالیت آن محدودیت ایجاد کنند.

آقای دکتر ما دو پیشنهاد برای دولت در این میزگرد داشتیم که بتواند برنامه‌های خودش را در این زمینه پیش ببرد. اول اینکه ایرانیان خارج از کشور را برای سرمایه‌گذاری جذب کند و دیگر توسعه مناطق آزاد است. اما نکته این است که ما در حال حاضر هم منطقه آزاد داریم اما مشکلات ساختاری در این مناطق زیاد است از جمله فساد اداری و مالی که همواره خبرهایی از این دست از این مناطق به گوش می‌رسد.

محمد مهدی بهکیش *چین آزادسازی را در دو مرحله انجام داد. مرحله اول همین مساله کشاورزی بود که بسیار هم بااهمیت بود و مرحله دوم روی صنایع و تجارت بود که قیمت‌گذاری را برداشتند*. به نظر من یکی از کارهای بسیار جالبی که چینی‌ها در مورد آزادسازی تجارت کردند این است که اولاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به مناطق خاصی هدایت کردند که در آن قوانین و مقررات بسیار ساده بود*. دولت در مناطق آزاد بسیار راحت‌تر می‌تواند مقررات زدایی کند، راحت‌تر می‌تواند ترتیب صدور ویزای ورود و خروج افراد را فراهم کند یا صنایع را آنجا بپذیرد و به آنها اجازه کار دهد. ما هم این مناطق را ایجاد کردیم ولی هیچ‌گاه به مراکز برای شروع فعالیت‌هایی که جذب‌کننده سرمایه خارجی باشد تبدیل نشده‌اند.

موسی غنی‌نژاد: طبق معمول ما هر چیزی را به داخل می‌آوریم کاریکاتوری از آن درست می‌کنیم که مشخص است نمی‌تواند عملکرد خوبی داشته باشد. مناطق آزاد ما در واقع آزاد نیستند و خودشان مشکلات بسیار فراوانی دارند.

محمد مهدی بهکیش: ما اول باید قبول کنیم که باید به یک منطقه آزادی دهیم. به یک منطقه از کشورمان بگوییم خودت را اداره کن. یعنی قبول می‌کنیم که آنجا متفاوت از بقیه کشور اداره شود. قبول می‌کنیم که آنجا اتفاقاتی می‌افتد که داخل کشور نمی‌افتد و خارجی‌هایی که نمی‌خواهیم به داخل کشور بیایند قبول می‌کنیم در آن مناطق با آزادی بیشتر حضور داشته باشند و فعالیت کنند. اگر این را قبول نکنیم، منطقه آزاد نمی‌توانیم درست کنیم. باید قبول کنیم در این منطقه تعرفه‌ها پایین‌تر باشد و باید امکانات بیشتری از نظر زیرساختی فراهم کنیم در حالی که اصلاً چنین کاری نکردیم. زمانی که قشم به عنوان منطقه آزاد اعلام شد یک سرمایه‌دار خارجی حاضر بود این منطقه را ۲۰ ساله در اختیار بگیرد و با سرمایه خودش آن را کاملاً تجهیز کند و بسازد و بعد از این مدت بهتر از دومی تحویل دهد اما این درخواست قبول نشد. اکثریت مناطق آزادی که داریم مانند قشم و حتی کیش فاقد زیرساخت‌های مناسب هستند. اگر مناطق آزاد ما همین‌طور بماند تا پنج سال دیگر که هیچ تا ۲۰ سال دیگر هم هیچ تغییری ایجاد نخواهد شد.

در حال حاضر مزیت سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذار خارجی در کدام بخش بیشتر است؟ یعنی اگر سرمایه‌گذار

خارجی بخواهد از دعوت رئیس‌جمهور استقبال کند، مزیت سرمایه‌گذاری برای او در کدام بخش از اقتصاد ماست؟ کجا می‌توانیم سرمایه‌گذاری کنیم؟ نکته دوم اینکه عاجل‌ترین اقدامی که دولت می‌تواند برای بهبود جذب سرمایه‌گذاری خارجی انجام دهد، مثلاً شناخت حق مالکیت یا کاهش تعرفه می‌تواند از این دست باشد؟

موسی غنی‌نژاد: واضح است که در حال حاضر بخش انرژی ما مزیت بیشتری دارد یعنی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی مزیت بالایی دارند و البته صنعت خودروسازی هم هست که با توجه به بازار خوب موجود در ایران می‌تواند برای سرمایه‌گذار خارجی جذاب باشد. اما دقت کنید که شما از قبل نمی‌توانید تعیین کنید کدام بخش برای سرمایه‌گذار خارجی جذابیت دارد. باید ببینیم آن سرمایه‌گذار خارجی چه رابطه‌ای با اقتصاد ما برقرار می‌کند و چه دیدی نسبت به آن پیدا می‌کند. ما اگر راه را باز کنیم آنها خودشان مزیت را پیدا خواهند کرد. این وجه مساله چندان قابل برنامه‌ریزی نیست. وقتی شرایط فراهم شود که بیایند، خودشان می‌دانند کجا برای سرمایه‌گذاری مناسب است که بتوانند آنجا سرمایه‌گذاری کنند. اما به نظر من در کوتاه‌مدت اولین کاری که دولت می‌تواند انجام دهد ایجاد بهبود در فضای کسب‌وکار داخلی است. این کار در کوتاه‌مدت چندان نیازی به تغییر قانون ندارد و حتی در خود قانون هم آمده که دولت باید وزن خود را سبک کند. دولت می‌تواند مقررات انباشته‌شده طی ۳۰ سال گذشته را کم کند، همان مقرراتی که مربوط به دولت و سازمان‌هایش می‌شود. مثلاً مزاحمت دستگاه‌های اجرایی برای تولید را می‌شود کم کرد. مسوولان رده بالای دولتی با سلسله اقداماتی که کاملاً در حیطه اختیاراتشان است و به سازمان‌های دولتی برمی‌گردد می‌توانند قدم بزرگی در جهت بهبود فضای کسب‌وکار بردارند. توجه داشته باشید که سرمایه‌گذاران خارجی به دقت اوضاع کسب‌وکار در کشورها را بررسی و تحلیل می‌کنند. مثلاً اینکه ایران در رتبه‌بندی شاخص فضای کسب‌وکار در چه رتبه‌ای قرار گرفته و در کدام مولفه‌ها قوت و در کدام یک ضعف دارد. این اطلاعات به طور روشن و مشخص در دسترس است. دولت می‌تواند در این خصوص اقدامات زیادی انجام دهد بدون اینکه هزینه مالی چندان متحمل شود. بعد در میان‌مدت و بلندمدت اصلاح قانون هم می‌تواند صورت گیرد. مثلاً قانون حقوق مالکیت اصلاح شود و این افسانه‌ای که روشنفکران از دوره قاجار در سر ایرانی‌ها انداخته‌اند که مالکیت خارجی در کشور یک نوع خیانت است کنار گذاشته شود. ببینید چینی‌ها رفته‌اند در نیویورک زمین خریده‌اند، هتل خریده‌اند، زمین دارند و کارخانه احداث کرده‌اند و هیچ مشکلی هم برای آمریکا پیش نیامده است. تنها منعی که وجود دارد در مورد مناطق و صنایع نظامی است و گرنه یک خارجی هر جا که بخواهد می‌تواند ملک بخرد. مگر خود ایرانی‌ها نمی‌روند در کشورهای اروپایی در هر جایی می‌خواهند خانه و زمین و کارخانه بخرند؟ پس چرا خارجی‌ها نباید اینجا بخرند؟ متأسفانه این افسانه‌های ساخته و پرداخته روشنفکران بی‌خبر از اقتصاد، بعدها تبدیل به قانون شد و این گرفتاری‌ها را برای ما به وجود آورد. این افسانه‌ها هیچ ربطی هم به مسائل و قوانین اسلامی ندارد. در اسلام اصلاً از این خبرها نیست که محدودیت خرید و مالکیت برای یک خارجی در نظر گرفته شده باشد یا حتی توصیه شده باشد. متأسفانه این داستان‌ها و افسانه‌های نادرست شکل گرفته و اغلب هم چپ‌ها این مسائل را در ذهن قانونگذاران جا انداختند. حالا همان‌طور که گفتم انتظار نداریم در کوتاه‌مدت این مساله به کلی رفع شود اما باید در درازمدت روی این قبیل مسائل فکر و بحث شود تا بتوان آنها را اصلاح کرد. چنین تفکرات و قوانینی به جز ضرر و زیان هیچ عایدی برای ما دربر نداشته است.

موسی غنی‌نژاد* سرمایه‌گذار خارجی نیاز به امنیت و آرامش سیاسی دارد و گرنه در فضایی که تهدید سیاسی بالا باشد و طرفین سیاسی یکی از اتهام‌های همیشگی‌شان عامل بیگانه یا خائن خواندن دیگران باشد فضای سیاسی برای سرمایه‌گذاری مناسب نخواهد بود. این ناامنی فضای سیاسی مانع سرمایه‌گذاری داخلی و آمدن سرمایه‌گذارهای خارجی می‌شود*. وقتی که چین وارد مرحله دوم اصلاحات یعنی تجارت آزاد در مناطق آزاد شد، ابتدا سرمایه‌گذارهایی وارد چین شدند که چینی‌تبار بودند، چینی‌هایی که به خاطر انقلاب کمونیستی به هنگ‌کنگ، تایوان و کشورهای اطراف رفته بودند. همان اول کار

آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها نیامدند .

محمد مهدی بهکیش: من اگر بخواهم دنباله بحث آقای دکتر غنی‌نژاد را ادامه دهم، می‌گویم یک نکته که می‌تواند در جذب سرمایه‌گذار خارجی به ایران موثر باشد دسترسی به بازار است. این مزیت بسیار بزرگی است که در این منطقه وجود دارد. جمعیت زیاد و تقاضا بالاست. اغلب سرمایه‌گذاران خارجی که در وهله اول بیایند در نظر دارند کالایی تولید کنند که در ایران جذب شود و فروش رود. در چین به علت ارزانی کارگر و زیرساخت‌های قوی صرفه اقتصادی دارد که اروپایی‌ها آنجا بروند، ماده اولیه را با خود ببرند، کالا تولید کنند و بعد محصول را به اروپا برگردانند و با قیمت رقابتی بفروشند. در مورد ما احتمالاً این اتفاق به سرعت نمی‌افتد لذا ابتدا کالاهایی توسط سرمایه‌گذار خارجی تولید خواهد شد که در بازار داخل و بازار منطقه فروش داشته باشد. نکته مهم دیگری که به نظر من می‌رسد این است که ما باید برویم به سمت فناوری‌های جدید. متأسفانه ما در شرایط تحریم و معضلات اقتصادی ۱۰ سال اخیر از فناوری عقب مانده‌ایم و نتوانستیم خودمان را با روز جلو ببریم. بنابراین در داخل کشور تقاضای تکنولوژی وجود دارد. اگر یکسری مناطق را به ورود و حضور فناوری‌های مدرن اختصاص دهیم می‌توانیم نتیجه و عایدی بهتری بگیریم. حتی جذب تکنولوژی بسیار آسان‌تر می‌شود. در نکته سوم به صنعت خودرو اشاره می‌کنم که یکی از بزرگ‌ترین صنایعی است که گریبان مملکت را گرفته است. در حال حاضر خودرو در ایران گران‌تر از هر جای دیگری تولید می‌شود. در نتیجه مصرف‌کننده حداقل دو برابر آنچه باید برای خرید ماشین هزینه کند پول می‌پردازد. قریب به ۵۰ سال است که جامعه این وضعیت را تحمل کرده و به نظر من دیگر بس است. اما برای اینکه این صنعت بزرگ و اشتغالی که ایجاد کرده و البته در آن مدیران لایقی هم حضور دارند از بین نرود می‌توان از فرصتی که در حال ایجاد است نهایت استفاده را برد. مثلاً به سمت خودروهای هیبریدی برویم که اکنون در تمام دنیا در حال رونق تولید و مصرف است. خودروهایی که سوخت‌شان ترکیبی از بنزین و برق یا گاز و برق است. به شما بگویم مثلاً در حال حاضر حدود ۶۰ درصد تاکسی‌های تورنتو هیبریدی است. که تلفیقی از نیروی محرکه برق و بنزین است. این سیستم وقتی شروع به کار می‌کند تا حدود ۴۰ کیلومتر سرعت را با قدرت برق می‌رود بعد از آن خودش از موتور برقی به موتور بنزینی سوئیچ می‌کند تا در سرعت‌های بالاتر دچار مشکل نشود. ما که هوای به شدت آلوده داریم و ضمناً می‌خواهیم تجارت را باز کنیم و در عین حال نمی‌خواهیم اجازه دهیم صنعت خودرو کشور هم لطمه جدی ببیند می‌توانیم برای مثال یکی از مناطق آزاد را به خودروهای هیبریدی اختصاص دهیم. به گونه‌ای که تولیدکننده خارجی و داخلی با مشارکت یکدیگر این فناوری نوین را بیاورند و خودرو هیبریدی تولید کنند و هم در داخل کشور به فروش برسانند و هم نیاز منطقه را تامین کنند. ما هم می‌توانیم از این فناوری در تاکسی‌هایمان استفاده کنیم تا کم‌کم سیستم خودرویی ما از این فناوری الگو بگیرد و خودش را مدرن کند تا در آینده خودمان بتوانیم خودرو مدرن و از جمله هیبریدی تولید کنیم.

موسی غنی‌نژاد: این نکته کاملاً درست و بجاست و الان همه جای دنیا دارند همین کار را می‌کنند. با این کار هم صنعت خودرو حفظ و به روز می‌شود هم اینکه کشور می‌تواند از این وضعیت آلودگی هوا که روز به روز بدتر می‌شود خلاص شود .